بازداشت زن جوان آشوبگر در تهران

زن جوان آشوبگر که در جریان اغتشاشات پایتخت تحت تعقیب بود، در حالی که با هویت جعلی زندگی می‌کرد، بازداشت شد. به گزارش جام جم، چند روز پیش گزارشی در دستور کار ماموران پایگاه چهارم پلیس امنیت تهران قرار گرفت که نشان می‌داد، زن جوانی در روز اول اغتشاشات با آتش زدن چند حلقه لاستیک و انسداد خیابان فدائیان اسلام و شعاردهی و سنگ‌پرانی به سمت ماموران، اماکن عمومی را تخریب کرده است. او متواری بود تا این‌که دو روز پیش در خانه‌ای در محله چهارراه مصباح کرج بازداشت شد. بررسی سوابق کیفری این متهم زن نشان می‌داد او دارای جرایم امنیتی بوده و سال ۹۱ هم به اتهام تبلیغ و فعالیت علیه نظام و حمایت از گروه‌های معاند بازداشت، بعد از گذراندن حبس آزاد شده و چهره و نیز شناسنامه‌اش را تغییر داده و در این اغتشاشات رهبری یك گروه را به‌عهده گرفته است. سرهنگ مهدی تاجیك، رئیس پایگاه چهارم پلیس امنیت عمومی پایتخت گفت: با اعتراف متهم به جرایمش تحقیقات از او ادامه دارد.

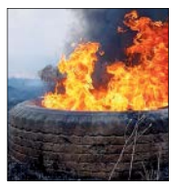

پشت صحنه یک ماجرا

قتل هولناك مرد تنها برای یکشبه پولدار شدن

جنایت تحت تاثیر سریال برکینگ بد

معصومه ملکی
حوادث

مجید ۲۶ ساله واصغر ۲۸ ساله به بهانه پس دادن کیف سرقت شده از یك مرد ۶۷ ساله که اقلیت دینی بود در اخاذی از وی ناکام ماندند و با کشتن وی، جسدش را با اسید سوزاندند. شامگاه ششم شهریور امسال بود که جسد سوخته مقتول در کناردریچه چاه فاضلاب حوالی بزرگراه محلاتی پیدا شد. بررسی پلیس نشان می‌داد ساعاتی از مرگش گذشته و مدارکی برای مشخص شدن هویت او وجود ندارد. آنها میان پرونده‌های افراد گمشده دنبال هویت مقتول بودند و سرانجام به پرونده‌ای رسیدند که مرد گمشده ساکن محله یوسف آباد بود. او اقلیت دینی و مجرد بود و برادرانش در آمریکا زندگی می‌کردند. دوستش گم‌شدن وی را به پلیس اطلاع داده است. او به پزشکی قانونی معرفی شد و هویت جسد سوخته را تاییدکرد.

تحقیقات ازدوست مقتول نشان می‌داد روزچهارم شهریور کیف مقتول را موتورسواری دزدیده وبعدازآن، فردی با وی تماس گرفته و مدعی شده مدارك وکیف را یافته و برای تحویل آن با اوقرارگذاشته است. زمانی که مالباخته آنجا رفته خبری ازآن فرد نشده وتصمیم گرفته به خانه اش بازگردد که ناپدید و بعداز چند روز جسد اوکشف شده است.

در ادامه تحقیقات مجید و اصغرکه رد آنها در این قتل به دست آمده بود، در نقد کردن چك ۳۶ میلیون تومانی مقتول در بانك ناکام مانده و متواری شدندکه با کشف این سرنخ سرانجام بازداشت شدند. آنها اعتراف کردند قصد اخاذی از آن مرد بابت پس دادن مدارك سرقتی را داشتندکه ناکام مانده و او را کشتند.

فکر می‌کردیم یکشبه پولدار می‌شویم

مجید ۲۶ ساله مجرد است، تا همین چند ماه پیش به عنوان پیك موتوری کار می‌کرد و فکر نمی‌کرد روزی دستش به خون فردی آلوده شود و مهر قاتل شدن بر پیشانی اش حك شود.

از آشنایی با مقتول بگو؟

مقتول را نمی‌شناختم. همدستم از طریق یکی از بستگانش متوجه شده بود مقتول پولدار و تنهاست.

نقشه جنایت را چطور طراحی کردید؟

هدفمان اول قتل آن مرد نبود. فقط قصد اخاذی از وی را داشتیم. برای این کار از یك دوست خلافکارمان خواستیم کیفی را که مقتول همراه دارد، سرقت کند و یك میلیون تومان به او پرداختیم. او مقتول را از خانه‌اش تعقیب کرد و در فرصتی مناسب کیفش را سرقت کرد و آن را برایمان آورد. گمان می‌کردیم داخل آن پول، دلار و چك پول‌های زیادی باشد. اما وقتی کیف مورد نظر به دستمان رسید و آن را باز کردیم، نقشه ام به هم خورد. فقط داخل آن کیف تعدادی چك معمولی و مدارك هویتی آن مرد بود، ما به کاهدان زده بودیم.

بعد چه شد؟

تصمیم گرفتیم به بهانه پس دادن این مدارك و چك‌ها از او اخاذی کنیم. با او تلفنی حرف زدیم و گفتیم مدارك را در خیابان پیدا کرده ایم. با او قرارگذاشتیم و با خودروی امانتی پژو ۲۰۶ دوست دیگرمان به محل قرار رفتیم. او به ما مشکوك شده بود و از محل دور شدیم. یك ساعت بعد دوباره بازگشتیم. این بار در نقش مسافربر ظاهر شدیم چون چهره مان را به درستی نشناخته بود. با ما درددل کرد و درباره سرقت مدارك و کیفش حرف زد. دوستم آمد صندلی عقب نشست و به او گفت مدارك را ما یافتیم و باید پول کلان برای پس گرفتن آن بپردازی. فریاد زد قصد اخاذی دارید پس من شکایت می‌کنم و پولی به شما نمی‌دهم. با او دعوا کردیم و گفتیم آرام باش. آرام نشد و او را به زور به خانه مان بردیم.

بعد تصمیم گرفتید او را به قتل برسانید؟

سال‌ها تریاك مصرف کردم و شش ماه بود شیشه‌ای شده بودم. عصر آن روز که او را به خانه ویلایی بردیم، من و اصغر هردو شیشه مصرف کردیم. حال و روزمان خوش نبود. آن مرد دعوا کرد و مدام فریاد می‌زد و فحاشی می‌کرد. سعی کردیم آرام باشد و در حیاط فریاد نزند که خانواده‌ام و همسایه‌ها باخبرشوند. آن قدر فحاشی کردکه اعصابمان را به‌هم ریخت. توهم ناشی ازشیشه باعث شد متوجه کارهایمان نشویم وانگار عقلمان درست کار نمی‌کرد. چشمانم در حیاط به بخشی از طناب رخت افتاد. آن را دور گردن مالباخته انداختیم و با دوستم آن را از دو طرف کشیدیم که بعد از مدتی خفه شد. جسد را در صندوق عقب خودروی امانتی گذاشتیم. تا عصر روز بعد جسد در ماشین بود و فردا همراه اصغر آن را خارج کردیم.

چرا جسد را سوزاندید؟

چندروز قبل از این‌که ماجرای اخاذی از آن مرد را اجرا کنیم، من و همدستم یك فیلم آمریکایی خشن به نام برکینگ بد را دیدیم. قهرمان فیلم که یك شیمیدان بود جسدی را با اسید سوزاند تا هویت او فاش نشود و جرایمش لو نرود. آن فیلم کامل درذهنمان بود و بعداز آن‌که مرد ۶۱ ساله را کشتیم، تصمیم گرفتیم جسد او را در اسید حل کنیم و رازجنایتمان تا ابد پنهان بماند؛ بنابراین رفتیم و یك سطل زباله خریدیم. اسید هم تهیه کردیم.

بعد چه شد؟

خودرو را در حوالی اتوبان محلاتی متوقف کردیم. جسد را از صندوق عقب بیرون آورده و در سطل زباله انداختیم و هر چه اسید خریده بودیم را با آب رقیق کرده و روی آن ریختیم تا زودتر حل شود. زمان کوتاهی که گذشت ترسیدیم کسی بیاید و متوجه کاری که انجام می‌دهیم شود؛ بنابراین جسد را از داخل سطل زباله درآوردیم و داخل نایلونی گذاشتیم و کنارهمان اتوبان دریچه فاضلابی پیدا کردیم و جسد را کنار آن رها کردیم و متواری شدیم.

چرا تسلیم نشدی؟

می‌خواستم چند بار تسلیم شوم، اما ترس نگذاشت.

چطور دستگیر شدی؟

چون باهمدستم هم قسم شده بودیم که رازجنایت را پنهان نگه‌داریم. فکر نمی‌کردم راز قتل فاش شود. چند روز حالم بد بود و سرکار نرفتم اما دوباره سراغ کارپیك موتوری ام رفتم. بعداز چند ماه پلیس آمدودستگیر شدم. شوکه شدم وخانواده ام باورشان نمی‌شد دست به قتل زده ام.

در زندان چه کار می‌کنی؟

اکثرهم سلولی هایم به اتهام آدم‌ربایی، قتل و معاونت درقتل در زندان هستند. من پایم به کلانتری محل باز نشده بود، اما اکنون به اتهام قتل بازداشت وزندانی شدم. به خاطر یك اشتباه وطمع گرفتار شدم وآبروی خود وخانواده ام را بردم. حالا در زندان باید بمانم وبه زندگی سیاه خودم نگاه کنم.

کتاب می‌خوانی؟

قبل از زندان گاهی کتاب های رمان می‌خواندم، اما بیشتر وقت آزادم را در اینترنت می‌گذراندم.

فکر می‌کنی آزاد شوی؟

نمی‌دانم. تحمل زندان و دوری از خانواده ام را ندارم.

اگر زمان به عقب بازمی‌گشت؟

شاید هیچ وقت وسوسه پول و اخاذی سراغم نمی‌آمد و دست به قتل نمی‌زدم. شاید هیچ وقت سراغ شیشه نمی‌رفتم.

اگر آزاد شوی؟

توبه کرده وبه کسب روزی حلال بسنده می‌کنم.

دلت برای چه کسی تنگ شده؟

خانواده ام. آنها هیچ وقت بدم را نخواستند و همیشه پشت و پناهم بودند، اما من با یك اشتباه، آنها را از خودم ناامید کردم.

جنایت شیشه ای

محمدتقی شعبانی

بازپرس جنایی تهران

دراین پرونده شاهد آن هستیم که دومرد جوان به طمع پولدار شدن، نقشه سرقت مدارك مردی را طراحی می‌کنند تا بتوانند از او اخاذی کنند، اما در اجرای این نقشه آن فرد را به قتل رسانده وجسدش را با اسید می‌سوزانند ودراخاذی ازوی ناکام می‌مانند. دومتهم پرونده معتاد به شیشه بودند و برای این‌که راه صد ساله را یکشبه طی کنند، تصمیم به این سرقت گرفتند. آنها بدون این‌که به عاقبت کار فکر کنند و بدانندچه مجازاتی درانتظارشان است دست به این کارزدند. جان فردی راگرفتند وخود وخانواده هایشان راگرفتارکردند. متهمان از روی ترس و به گمان این‌که اگر جسد را با اسید بسوزانند هویتشان فاش نمی‌شود و راز قتل آنها پنهان می‌ماند به سوزاندن جسد آن مرد با اسید اقدام کرده بودند. اما سخت در اشتباه بودندوقانون همیشه فرارترازمجرمان است وآنها باید بدانند هیچ گاه کاراشتباه فرد بدون مجازات نخواهد ماند.

باتوجه به این‌که فردکشته شده جزو اقلیت دینی است، متهمان دردادگاه بعدازمحاکمه به حبس از سه تا ده سال، پرداخت دیه ونیز دیه بابت جنایت برمیت محکوم خواهندشد.

داشتن آموزه‌های دینی مناسب، کسب روزی حلال، نداشتن اعتیاد، آموزش وفراگیری فنون مهارت‌های زندگی یکی از الزامات اساسی جامعه کنونی مامحسوب می‌شود. درسایه این آموختن، از ظهور و بروز بسیاری ازمعضلات وناهنجاری‌های اجتماعی همچون طلاق، اعتیاد، بزهکاری، افسردگی، درگیری و خشونت و... پیشگیری خواهد شد.

متهم:
گمان می کردیم راز جنایت مان تا ابد پنهان می ماند

بخشش قاتل ترقه باز در روز تولد شهید دلاور

قاتل در سه شنبه آخر سال به جای ترقه بازی باید کارهای فرهنگی کند

محمد غمخوار
حوادث

پسر جوانی که شش سال قبل در شب چهارشنبه سوری با پرتاب نارنجک مامور پلیس را به شهادت رسانده بود، پای چوبه دار بخشیده شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، آرش ۱۸ ساله بیست و هفتم اسفند سال ۹۲ به اتهام قتل ستوان دوم " هادی جوان دلاور" دستگیر شد. او پس از دستگیری دربازجویی های اولیه گفت: شب چهارشنبه سوری بود که با دوستانم برای تفریح و آتش بازی به خیابان نواب رفته بودیم که با دیدن ماموران پا به فرار گذاشتیم. در حال فرار، تلفن همراهم دست یکی از ماموران افتاد و نتوانستم آن را بگیرم. به همین دلیل عصبانی شدم در حوالی محله نواب تعدادی مامور را دیدم و نارنجکی به سمت آنها پرتاب کردم که به سر یکی از مامورها برخورد کرد. بعد از ارتکاب جرم به سمت قهوه خانه گریختم که دستگیر شدم.

در ادامه پرونده برای اولین بار در شعبه دهم دادگاه کیفری استان تهران رسیدگی شد و در آن جلسه بعد از درخواست قصاص از سوی اولیای دم، آرش بر خلاف اظهاراتش جرمش را انکار کرد و گفت در جریان حادثه حضور نداشته است. هیئت قضایی بعد از شور، قتل را شبه عمد تشخیص داد و متهم را به پرداخت دیه محکوم کرد. رای دادگاه با اعتراض اولیای دم به دیوان عالی کشور فرستاده شد، اما قضات دیوان بعد از بررسی، حکم دادگاه را نقض و پرونده را برای رسیدگی دوباره به این شعبه همعرض ارجاع دادند.

آرش سال ۹۴ برای دومین بار محاکمه و به قصاص محکوم شد. حکم بعد از ارسال به دیوان به دلیل عدم حضور نماینده دادستان نقض و بار دیگر برای رسیدگی دوباره ارجاع داده شد.

پسر جوان در سومین دور رسیدگی به پرونده اش در دفاع از خود گفت: آن شب برای تفریح به خیابان نواب رفته بودم که ناگهان صدای انفجار آمد. بعد از آن بود که شاگرد قهوه خانه از من خواست به داخل مغازه بروم. نمی دانم چرا شاهدان پرونده ، شهادت دروغ داده اند و گفته اند من نارنجک را به سر مامور پلیس زدم.

در پایان هیئت قضایی بعد از شنیدن آخرین دفاع متهم با توجه به اظهارات و شواهد موجود در پرونده متهم را به قصاص محکوم کرد. این رای در دیوان عالی کشور تائید شد. و در حالی که شمارش معکوس برای اجرای حکم قصاص آغاز شده بود، ۱۱ آذر امسال و همزمان با روز تولد این شهید ناجا، پدر و مادرش با حضور در شعبه اجرای احکام دادسرای جنایی تهران قاتل را بخشیدند. برادر این شهید به خبرنگار جام جم گفت: پدر و مادرم با خدا معامله کردند و برای رضای خدا از خون شهید گذشت کردند. این بخشش بدون دریافت دیه بود و فقط یک شرط برای قاتل تعیین کردند. بر اساس این شرط قاتل باید هر سال در شب سه شنبه آخر سال برای پیشگیری از حوادث این شب، کارهای فرهنگی انجام دهد تا شاهد حوادث مرگبار در این شب نباشیم.

خواهرزاده‌ها، دایی قاتل را بخشیدند

پسر جوان که در پی اختلاف خانوادگی خواهرش را به قتل رسانده بود، از سوی والدین خود و دختران خواهرش بخشیده شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام جم، سعید ۲۰ ساله متهم است که در جریان اختلاف خانوادگی و منصرف کردن خواهر ۴۲ ساله‌اش از جدایی با شوهرش با او درگیر شده و او را شامگاه هفتم تیر سال گذشته خفه کرده و کشت. او و خانواده‌اش ۱۶ ماه راز این جنایت را پنهان کردند تا این‌که با اعلام نظریه کارشناسان پزشکی قانونی اعلام کرد که آن زن به قتل رسیده و خودکشی نکرده است، اما خانواده مقتول مدعی بودند عشق قدیمی او مرتکب قتل شده که وی بازداشت و بعد از آن که بی‌گناهی‌اش مشخص گردید، آزاد شد. در ادامه رد برادر مقتول در این پرونده به دست آمد که او با دستور قضایی ساسان غلامی، بازپرس شعبه سوم دادسرای جنایی تهران در آبان امسال بازداشت شد. متهم با اعتراف به قتل خواهرش و بازسازی صحنه قتل روانه زندان شد.

والدین مقتول و دو دختر که خواهرزاده‌های متهم به قتل پرونده بودند، چند روز پیش با حضور نزد بازپرس پرونده اعلام کردند که دایی خانواده را می‌بخشند و از درخواست قصاص او منصرف شده‌اند، چرا که داغ یك نفر را در دل دارند و نمی‌خواهند داغ دیگری را ببینند.

بنابراین سعید برای آخرین جلسه بازپرسی از زندان به شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران منتقل شد و به بازپرس پرونده گفت: نمی‌خواستم او را بکشم، می‌خواستم با هم حرف بزنیم که از تصمیم برای جدایی به خاطر بچه‌هایش منصرف شود و به فکر ازدواج با عشق قدیمی‌اش نیفتد. حتی خواهرم را برای آشتی‌دادن به خانه پدری‌مان دعوت کردیم که با دیدن شوهرش در آنجا دعوا کرد و عصر خواهرم به خانه‌اش بازگشت.

وی افزود: من هم به خانه‌اش در تهران آمدم، با هم حرف زدیم تا از طلاق منصرف شود که داد و فریاد راه انداخت. برای این‌که همسایه‌ها صدایش را نشنوند، دستم را روی دهانش گذاشتم که افتاد و فوت کرد. ۱۶ ماه عذاب وجدان داشتم و از روی ترس، قتل را پنهان کردم. اشتباه کرده و خیلی پشیمانم.

سعید به زندان بازگشت و پرونده او با صدور جلب به دادرسی به اتهام مباشرت در قتل عمدی در حالی به دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد که قرار است او باتوجه به این‌که از سوی اولیای دم بخشیده شده، از جنبه عمومی جرم در دادگاه محاکمه شود.

تلنگر

هلاکت عامل شهادت ۱۳ پلیس

شرور سابقه‌داری که ۱۳ مامور نیروی انتظامی را به شهادت رسانده بود، در کرمان به هلاکت رسید. به گزارش جام جم، هفتم آذر امسال دو نفر از اشرار مسلح در کویر فهرج از سوی تکاوران استان کرمان در جریان تعقیب و گریز پلیسی به هلاکت رسیدند. پلیس در تلاش برای شناسایی این دو قاچاقچی کشته شده بود که دیروز معلوم شد یکی از آنها فردی به نام «ولی‌داد شه‌بخش» بوده که سال ۱۳۸۸ در کویر طبس با نیروهای فرماندهی انتظامی خراسان جنوبی که در حین انجام ماموریت بودند، درگیر شده و ۱۳ نفر از ماموران نیروی انتظامی را به شهادت رسانده بود. سردار عبدالرضا ناظری، فرمانده انتظامی استان کرمان گفت: در جریان تحقیقات پلیسی معلوم شد عامل شهادت ۱۳ مامور انتظامی، شرارت‌های دیگری هم از جمله شهادت تعدادی از نیروهای سپاه در منطقه کورین زاهدان، حمل و توزیع مسلحانه مواد مخدر و انجام چند فقره درگیری مسلحانه دیگر در کویر استان کرمان از سال ۱۳۸۸ داشته است.

محاکمه پیرمرد به اتهام قتل همسر با آب جوش

مرد ۷۰ ساله که همسرش را در وان حمام با آب جوش سوزانده و به قتل رسانده بود، دیروز در دادگاه منکر قتل عمد شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، ۲۶ اردیبهشت ۹۶، سه فرزند دختر زن میانسال به نام زینت با مراجعه به پلیس شهرری از ناپدری خود به اتهام قتل مادرشان اعلام شکایت کردند.

یکی از شکات به ماموران گفت: بعد از فوت پدرمان، مادرم سال‌ها تنها بود و ۱۲ سال قبل با مردی به نام حبیب ازدواج کرد. حبیب و مادرم همیشه با هم اختلاف داشتند، چون ناپدری‌مان تعادل روانی ندارد و مادرم را اذیت می‌کرد. برای همین زیاد با مادرم رفت و آمد نداشتیم تا این‌که متوجه شدیم مادرم بر اثر عفونت شدید ناشی از سوختگی فوت کرده. ما شك نداریم سوختگی مادرم زیر سر حبیب است.

با این شکایت، حبیب بازداشت شد و به پلیس گفت: همسرم پا درد داشت و برای همین او را در وان آب جوش گذاشتم. قصد کشتن او را نداشتم.

پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یك استان تهران ارسال شد و روز گذشته حبیب در شعبه هشتم دادگاه از خود دفاع کرد.

وکیل اولیای دم در ابتدای جلسه دادگاه از سوی آنها تقاضای قصاص متهم را کرد.

متهم در دفاع از خود گفت: اتهام قتل عمد را قبول ندارم. پکیج خانه‌مان خراب بود و نمی‌دانم چرا یکدفعه آب به‌شدت داغ شد. بعد هم پاهای همسرم به حدی سوخت که نمی‌توانست راه برود و دکتر برویم. من مراقبش بودم و برایش روغن زیتون می‌خریدم که روی سوختگی بزند و زودتر خوب شود، اما ده روز بعد در خانه فوت کرد. یك پسر ۱۱ ساله دارم که حالا در بهزیستی زندگی می‌کند. حاضرم خانه‌ام را به دختران همسرم بدهم تا رضایت آنها را جلب کنم و بتوانم با پسرم زندگی کنم.

رای دادگاه در مهلت قانونی صادر خواهد شد.

قمه کش تبریز در تله پلیس

مرد شروری که قمه به دست به خودروهای شهروندان تبریزی حمله کرده بود، بازداشت شد.

به گزارش ایسنا، فرد شروری صبح چهارشنبه سیزدهم آذر امسال با قمه‌کشی در منطقه ولی‌عصر تبریز به خودروهای شهروندان حمله‌ور و باعث رعب و وحشت رهگذران و ایجاد ترافیك و راه‌بندان شد. ماموران در تماس مردمی متوجه این ماجرا شدند و با حضور در محل حادثه این فرد شرور را بازداشت کردند.

اعتراف مردی به آتش زدن ۱۶ بانك

فرمانده انتظامی استان فارس از بازداشت عامل اصلی تخریب و به آتش کشیدن ۱۶ بانك شیراز خبرداد. سردار رهام بخش حبیبی به سایت پلیس گفت: دستگیری عاملان اصلی اغتشاشگران و آشوبگران در دستور کار پلیس قرار گرفت و ماموران پلیس امنیت عمومی در جریان تحقیقات رد مردی را که در تخریب و آتش زدن ۱۶ بانك شیراز نقش داشته، شناسایی کردند و او بازداشت و به جرایمش اعتراف کرد.